

از آن شورای عالی استان‌ها و استانداری وجود دارد. با اینکه تمام ساختارهای نظارتی در قانون پیش‌بینی شده است اما وضعیت روستاها در بخش مرکزی مشهد بسیار نامناسب است، فانی علت آن را در عدم پذیرش جایگاه شوراهای روستایی، بخشی و شهرستان می‌داند. فانی یکی دیگر از علل عدم وجود نظارت بر روستاها را تعدد روستاها و کم بودن اعضای شورای شهرستان‌ها و بخش عنوان می‌کند و می‌گوید: «بخش مرکزی مشهد وسعت زیاد و روستاهای متعددی دارد اما ما حتی ماشین برای سرکشی و نظارت بر این روستاها نداریم و بودجه مناسبی هم برای شورای روستاها در نظر گرفته نمی‌شود». فانی هم‌چون اصغریان معتقد است که نحوه انتخاب دهیاران مناسب وضعیت فعلی روستاهای بخش مرکزی نیست و این منجر به ایجاد حاشیه‌نشینی می‌شود. وی با اشاره به گذشته‌های دور می‌گوید: «سال‌ها قبل در همین شهر ک نوید ساخت‌وسازهای غیرمجازی صورت می‌گرفت، یکی از نمایندگان مجلس را آوردیم و به چشم این ساخت‌وسازها را دید و همان‌جا با بخشدار تماس گرفت و درخواست اکید کرد که با این ساخت‌وسازها برخورد شود اما بعد از آن تماس نه اقدامی از سوی آن نماینده و نه از سوی بخشداری انجام نشد». وی یکی از علت‌های ضعیف بودن جایگاه نظارتی شوراهای روستاها و بخش و شهرستان را عملکرد ضعیف این شوراهای گذشته می‌داند که موجب بروز رانت‌خواری و حتی زمین‌خواری شده بود به حدی که گاهی برخی از بنگاهدان را باروش‌های مختلف توسط مردم به‌عنوان عضو شورای روستا یا دهیار انتخاب و بعدها خودشان مسبب ساخت‌وسازهای غیرمجاز در روستاها می‌شدند.

چگونه مدیریت روستاهای اطراف بانگاه پیشگیری از حاشیه‌نشینی

با توجه به وضع فعلی روستاهای اطراف شهر مشهد، دو سناریو توسط برخی از مسئولین و نمایندگان مردمی این روستاها در حال پیگیری است، یکی ایجاد شهرداری‌های خودگردان و دیگری ایجاد شهر و شهرستان جدید، باین حال اصغریان در مورد شهر شدن این مناطق می‌گوید: «این که این روستاها به شهر ملحق شوند یا به شهر تبدیل شوند، برای مردم در حال حاضر هیچ امتیازی ندارد چرا که خدمات روستایی است اما عوارض شهری گرفته می‌شود، به‌طور نمونه برای ساخت‌وساز یک‌خانه ۱۵۰ متری مردم روستا باید ۳۰ میلیون تومان عوارض شهرداری بدهند». وی بایان این که مردم از این مسئله ناراضی هستند، ادامه می‌دهد: «اگر بتوان همانند منطقه طرق تجربه شهرداری خودگردان را پیاده کرد، پیشنهاد خوبی است، هر چند عده‌ای معتقدند که برای شهرداری‌های خودگردان اصولاً اساسنامه‌ای وجود ندارد. آنچه در طرق در حال حاضر به وجود آمده حاصل تلاش خود مردم است و شهرداری هیچ زحمتی نکشیده است». وی ادامه می‌دهد: «در جلسه‌ای در ماه رمضان با حضور اعضای کمیسیون حاشیه شهر مشهد و برخی مسئولین دیگر پیشنهاد شد که برای حل مشکل این روستاها سه نقطه را به‌عنوان شهر جدید معرفی کنیم، آقای بصیری پور در این جلسه گفتند روستایی را در تربت‌جام با ۹۰۰ نفر جمعیت شهر اعلام کردیم اما نمایندگان مجلس و سایر مسئولین قبول نکردند و گفتند

که ایراداتی وجود دارد که نمی‌توان این مناطق را شهر کرد، حتی پیشنهاد شد که چند نقطه را مثل شهر رضویه به‌عنوان منطقه منفصل شهری اعلام کنند». هر چند به گفته بادیانی سخنگوی شورای شهرستان مشهد دولت اعلام کرده تا پایان سال ۹۴ هیچ بخش و شهر جدیدی در هیچ استانی ایجاد نمی‌شود اما باین حال بصیری پور، رئیس شورای عالی استان‌ها همچنان از پیگیری ایجاد ده شهر جدید در اطراف شهر مشهد توسط فرمانداری و شورای عالی استان‌ها خبر داده است. چه نسخه شهرداری خودگردان و چه ایجاد شهر جدید که به سرانجام برسد، مهم‌ترین مسئله پیش‌بینی در آمد برای این شهرهاست، در غیر این صورت همچون شهرهای فعلی روی آوردن به درآمد تراکم فروشی و تخلف فروشی نه تنها کمکی به حل معضله روستاهای اطراف شهر مشهد نمی‌کند بلکه موجب تشدید حاشیه‌نشینی می‌شود، تجربه‌ای که در غرب مشهد و با ایجاد شهرداری طبقه رخنه داده است. یکی دیگر از سناریوهایی که کارشناسان برای ساماندهی روستاهای اطراف پیشنهاد می‌دهند، فراهم کردن زمینه حضور توسعه‌گران در این مناطق است، توسعه‌گرانی که می‌توانند با ایجاد نقش‌های خاص برای هر کدام از روستاها یا مجموع آن‌ها، ضمن حفظ هویت روستایی، زمینه توسعه منطقی و اصولی این روستاها را هم فراهم کنند، به‌طور نمونه ایجاد مناطق نمونه گردشگری، کشاورزی یا حتی صنعتی و تولیدی. البته این مسئله مستلزم تفویض اختیارات و ایجاد هماهنگی بین نهادهای مختلف همچون بخشداری و فرمانداری و شوراهای شهری و روستایی است، به‌هر حال هر نسخه‌ای که برای مدیریت این روستاها پیچیده شود بایستی به سه سؤال اساسی پاسخ بدهد؛ درآمد این مناطق روستایی با شهری چگونه تأمین خواهد شد؟ آیا این نسخه می‌تواند بر ساخت‌وسازهای این روستاها مدیریت و نظارت کند؟ آیا می‌تواند یک هویت مستقل به جمعیت مستقر در این مناطق بدهد و آسیب‌های اجتماعی فعلی را کاهش بدهد؟ لزوماً غفلت از نگاه پیشگیرانه سبب ایجاد حاشیه پشت حاشیه می‌شود و چه این روستاها شهر شوند و چه تبدیل به مناطق خودگردان بسیاری از مشکلات که در این گزارش به آن اشاره شد و بسیاری از مشکلات دیگر در حوزه امنیت، بهداشت و اقتصاد نیز حل نخواهد شد.

جمع‌بندی پایانی

به هر حال در حال حاضر این مناطق چه مسئولان شهری قبول کنند و چه قبول نکنند، اگر به حال خود رها شوند دیر یا زود به شهر مشهد ملحق خواهند شد و مشکلات امنیتی اجتماعی و فرهنگی خود را بر روی دوش این شهر خواهند گذاشت. اتفاقی که سال‌های نه چندان دور برای سایر مناطق افتاده و امروز بخشی از شهر مشهد شده اند. بلا تکلیفی و سرپوش گذاشتن بر روی این مسئله باعث خواهد شد که حداقل آمادگی ممکن نیز در بین مسئولین از بین برود و آن‌ها را در موضعی کاملاً منفعلانه بگذرانند، شرایطی که کم و بیش برخی از مسئولین دچار آن هستند. لذا به عنوان کلام پایانی بایستی تأکید کرد که از دست دادن زمان بزرگترین تهدیدی است مسئولین باید به آن توجه کنند.

نگاه نزدیک

از خانه یک پیرزن تعداد زیادی سلاح گرم کشف شده بود. «وی ادامه می‌دهد: «در حال حاضر در این روستاها بافت‌های خدماتی و ورزشی و فضای سبز پیش‌بینی نشده است، قبلاً زمین خاکی برای جوانان بود که ورزش کنند اما الان با ساخت‌وسازهای جدید چنین امکانی نیست و جوانان به شب‌نشینی، مواد مخدر و مشروبات الکلی روی می‌آورند». به گفته وی روستاهای اطراف مشهد بافت خالی ندارند و اگر بافت خالی هست، توسط برخی سودجویان نگه‌داشته شده تا در آینده تفکیک و بفروش برسد. اصغریان با بیان این که طبق نقشه‌برداری‌های اخیر نزدیک به ده درصد خانه‌ها در معابر و کوچه‌های روستای گرجی قرار دارند، وجود دفاتر فنی و مهندسی امور روستایی را به‌عنوان یک نیاز روستاهای این چنینی مطرح می‌کند.



ساخت‌وسازهای غیرمجاز روستا آینده‌ای شوم برای شهر

یکی دیگر از معضلات روستاها ساخت‌وسازهای غیراصولی است که هیچ تناسبی با شهر مجاور خود ندارند، اگر به مناطق حاشیه‌نشین که در حومه شهر مشهد قرار دارند نگاهی بیندازیم، متوجه کوچه‌ها و معابر باریک و تنگ و بدون نظم خواهیم شد، سازهای کم‌دوام که با کمترین زلزله تخریب می‌شوند، درست همین اتفاق در روستاهای اطراف شهر مشهد در حال تکرار است. اصغریان نیز به همین نکته اشاره می‌کند و می‌گوید که روستای گرجی سفلاً هیچ تفاوتی با منطقه قلعه ساختمان ندارد. این ساخت‌وساز غیراصولی و غیرمجاز خود تبعات اجتماعی نیز دارد، اصغریان می‌گوید: «کسانی را داریم که بین فاصله دور روستا را می‌خرند و روستای جدید تشکیل می‌دهند و مالک آن روستا می‌شوند، ما حتی گزارشی از روستایی داشتیم که